

قانونی، یک اتفاق استثنایی نیست، بلکه یک الگو و یک هشدار برای آینده است؛ آینده‌ای که در آن، خود مخالفت جرم‌انگاری می‌شود و هر کس اعم از فلسطینی، مهاجر، دانشجو، معترض و… می‌تواند به عنوان «تروریست» برچسب بخورد و از وجدان عمومی محو شود. همان‌طور که «نورمن اورنستین» که هیچ‌گاه یک رادیکال نبوده، با دقتی هولناک هشدار داده است: این یک گشتابوی آمریکایی است اما تاریخ بارها نشان داده که جنبش‌هایی که بر حقیقت بنا شده‌اند، تحت سرکوب نمی‌میرند، بلکه قوی‌تر می‌شوند.»

«میل هلگرن» دانشجوی دوره دکتری در مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) می‌گوید: «وقتی روسیه به اوکراین حمله کرد، دانشگاه «ام‌آی‌تی» فوراً ارتباطات خود را با مؤسسه علمی و فناوری پیشرفته اسکول تک روسیه در مسکو قطع کرد و حمله را محکوم کرد. دانشگاه همچنین بودجه انتقالی کامل برای آزمایشگاه‌ها و دانشجویانی که از قطع این ارتباطات متأثر شده بودند، ارائه داد. «ام‌آی‌تی» همچنین پس از قتل جمال خاشقچی متعهد شد عضویت شرکت سعودی آرامکو را در ابتکار انرژی «ام‌آی‌تی» تمدید نکند و هرگونه تعاملات مالی و تحقیقاتی بین دانشگاه و آرامکو را پس از قتل این روزنامه‌نگار رد کرد. این رفتار به طور قابل‌توجهی با غزه متفاوت است؛ جایی که ۲۲۲ روزنامه‌نگار توسط اسرائیل کشته شده‌اند. «ام‌آی‌تی» این قتل‌ها را محکوم نکرد اما وقتی یک روزنامه‌نگار سعودی کشته شد، ارتباطات خود را با آرامکو قطع کرد. دانشگاه «ام‌آی‌تی» در واکنش به اعتراض ما به سرکوب و انتشار اطلاعات نادرست پرداخته است.»

«ننسیو مایسا» دانشجوی مقطع کارشناسی در دانشگاه «وارویک» در انگلستان می‌گوید: «در گذشته دانشجویان در حمایت از مبارزه علیه آپارتاید آفریقای جنوبی و همبستگی با برلین غربی فعالیت می‌کردند اما اخیراً و با وقوع نسل‌کشی در فلسطین بود که واقعا حس همبستگی خود را در دانشگاه پیدا کردیم. الهام‌بخش اصلی ائتلاف ما مردم فلسطین هستند. ما با آرزوی دیدن فلسطینی آزاد در دوران زندگی‌مان انگیزه می‌گیریم. ما همچنین از جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌های ایالات متحده بویژه در مواجهه با سرکوب شدید الهام گرفتاییم. اردوگاه اعتراضی ما پس از برپایی اردوگاه‌های مشابه در دانشگاه‌های آمریکا شکل گرفت.» وی ادامه می‌دهد: «هدف اصلی ما داشتن یک دانشگاه غیرنظامی است. ما می‌خواهیم شرکت‌های تسلیحاتی از دانشگاه‌ها خارج شوند، زیرا دانشگاه را به عنوان مکانی برای تولید دانش می‌بینیم که در واقع به نفع بشریت است، نه اینکه جان انسان‌ها را بگیرد. ما می‌خواهیم دانشگاهی در آینده داشته باشیم که از گناه و همدستی در نسل‌کشی فلسطینی‌ها و دیگر مردم نیز آزاد باشد. من همچنین فکر می‌کنم دانشگاه آینده باید دموکراتیک‌تر و شفاف‌تر باشد. ما دریافتایم دانشگاه بسار بروکراتیک، غیردموکراتیک و کاملاً غیرحساس به شفافیت است.»

■ **برای آنهایی که هنوز سکوت را انتخاب می‌کنند**
 تصاویر راهپیمایی صدها هزار نفر در هلند، یا یکدستی نمادین پرچم‌های قرمز، تنها نمونه‌ای از آخرین خیزش‌های جهانی برای آزادی فلسطین است. هفته‌ای نمی‌گذرد که در نقطه‌ای از جهان – از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تا خیابان‌های آمریکای لاتین، موزه‌ها، پارلمان‌ها و حتی صحنه‌های کنسرت – صدای «Free Palestine» طنین‌نبدازد. دیگر عجیب نیست که با گشودن صفحات مجازی، با سبیل کشگری از اقشار مختلف جوامع جهانی مواجه شوید که مقاومت را نه یک موضع سیاسی، بلکه یک تعهد انسانی می‌دانند. در این میان، شاید برای بسیاری غریب باشد که روزگاری، درست در میانه جنگ تحمیلی، رزمندگان ایرانی بی‌لرزش صدا فریاد می‌زدند «راه قدس از کربلا می‌گذرد». آن فریادها، نه تاکتیکی نظامی، بلکه تجسمی از ارمان آزادی انسان بود؛ آرمانی که امروز ظاهراً تپش آن در افکار عمومی ایران به خواب رفته یا دست‌کم به کشورهای دیگر واگذار شده است. در حالی‌که موج جهانی مقابله با سرکوب، تعلیق، اخراج و سانسور بیاد می‌کند، برخی در فضای رسمی ایران رزمه می‌کنند که ملت ایران «خسته شده است» اما این تشریح بیمارگونه، بیش از آنکه توصیف واقعیت باشد، نتیجه یک تقلیل‌گرایی است. در حالی‌که ایرانیان همچنان درگیر پرسش‌های مقدماتی تحریف‌شده و دروغین از قبیل «چرا فلسطین‌نظر زمین‌های‌شان را فروختند؟» هستند، تظاهرات نظرسنجی‌ها در سرزمین‌های اشغالی نشان می‌دهد ۸۲درصد صهیونیست‌ها خواستار کوج اجباری فلسطینی‌ها از نوار غزه‌اند و نییی از آنان، حامی تکرار کشتار ارحبا علیه غیرنظامیان. در این شرایط، روایت خبرنگار غربی که از دل کمپین‌های سرکوب‌شده سخن می‌گوید، حامل پیامی عمیق‌تر از فراخوان به اعتراض است. وی می‌گوید: «دیگه خیلی دیره خیلی دیره، برای اون‌ها. دارن خیلی سخت تلاش می‌کنند. می‌تونن یکی‌مون رو بازداشت کنن اما هزاران نفر دیگه دارن میان. می‌تونن سعی کنن یکی‌مون رو دیپورت کنن ولی هزاران و هزاران نفر دیگه دارن میان. می‌تونن سعی کنن یکی‌مون رو ساکت کنن، می‌تونن سعی کنن یکی‌مون رو اخراج کنن می‌تونن سعی کنن یکی‌مون رو شکنجه کنن، می‌تونن سعی کنن همه‌مون رو بکشن… ولی دیگه دیره؛ دیگه براشون دیره. مگه نمی‌بینی؟ مگه نمی‌بینید چه اتفاقی داره دور و بر دنیا می‌افته؟» این نه یک شعار انقلابی، بلکه گزارش لحظه‌ای از یک تغییر تمدنی است که توسط خبرنگاری بین‌المللی مخایر عبور. جهانی که از «ترس» عبور کرده و به مرحله «بازخواست» رسیده است. سؤالی که اکنون پیش‌روی ماست، نه درباره تحلیل ساختارهای قدرت، بلکه درباره موضع فردی ماست: در مقابل این موج جهانی بیداری، آیا تو هنوز سکوت می‌کنی؟ اگر چنین است، شاید نه برای فلسطین، بلکه برای تو نیز «خیلی دیر شده باشد».



گزارشی درباره تغییرات جهان و بیداری ملت‌ها به بهانه سالگرد نامه تاریخی رهبر انقلاب به دانشجویان آمریکایی حامی فلسطین

به جبهه مقاومت خوش آمدید

که نه‌تنها آنها را بخشی از جبهه مقاومت می‌خواند، بلکه نوید تغییر پارادایم در افکار عمومی جهان را می‌دهد. این نامه، هم تجلیل از ایستادگی است و هم تحلیل یک آینده. هم‌زمان در جهان به ظاهر آزاد، فعالان دانشجویی با زبان تهدید، تعلیق، اخراج و برچسب‌زنی مواجهند؛ گویی تاریخ، یک‌بار دیگر تصمیم گرفته از دل قدرت، روایت دیگری را بازخوانی کند. روایت آمریکای امروز از «تروریسم»، بازتوبیسی همان ادبیات دوران جنگ سرد است: حذف صدای مخالف، سرکوب معترض و تقلیل حقیقت به امنیت ملی. با این حال، حقیقتی که از دل رنج برخاسته، خاموش نمی‌شود. از اخراج یک استاد فلسطینی‌الاصل در آمریکا تا تأکید دانشجویان بریتانیایی بر نقش دانشگاه در «نسل‌کشی» و «نظامی‌سازی»، همه و همه نشان از آن دارد که اکنون نبرد بر سر مفاهیم آغاز شده است.

نامه رهبر معظم انقلاب به دانشجویان حامی فلسطین ۵ خرداد سال گذشته نوشته شد. در بخشی از این نامه آمده بود: «شما اکنون در مقابل این همه اقدامات کابینه نتانیاهو، یک سخن در محکومیت آنها گفتی. تو خواستار اعمال تحریم‌هایی علیه قاتلان کودکان نشدی، آنهایی که مردم بی‌دفاع را هدف قرار می‌دهند؛ در حالی که روسیه را تحریم کردی. می‌خواهی به تو بگویم چرا اسرائیل را تحریم نکردی آن روسیه را تحریم کردی؟ چون دست به محاسبات سیاسی زد، چون برای تو مهم است قدرت و جایگاه سیاسی خودت را حفظ کنی. نمی‌خواهی اسرائیل و آمریکا از تو خشمگین شوند. از آمریکا سلاح خریداری می‌کنی و به اسرائیل می‌فروشی.»

واکنش بونیلی، فراتر از یک انتقاد سیاسی، پژواک صدای سرکوب‌شده افکار عمومی است که سال‌هاست در زنجیره‌ای از «امنیت‌گرایی»، «مصلحت‌اندیشی ژئوپلیتیک» و «ائتلاف‌های سودمحور» خاموش مانده‌اند. او بدرستی نشان داد چگونه واژه «نسل‌کشی» عملاً به ابزار سرکوب بدل شده است. در گفتمان غالب غربی، هر گامی برای گفتن این واژه، با اتهام «ضدیهودی» پاسخ داده می‌شود. در چنین بازی زبانی‌ای، برای دولتمردان غربی و سران قدرت اصطلاحاتی چون «جنایت جنگی» نیز قابل‌تحمّل‌تر از «نسل‌کشی» شده، چرا که هنوز اجازه تلهپیر و فرار از مسؤولیت را باقی می‌گذارند.

در نهایت، مقاومت، امروز فقط در خاورمیانه جریان ندارد، بلکه در ساختار جهانی رخنه کرده و این پرسش را پیش روی همه گذاشته است: «اگر واژه‌ها نتوانند از جان بی‌دفاع انسان‌ها دفاع کنند، پس چه رسانی برای‌شان باقی خواهد ماند؟»

■ **شما اکنون در طرف درست تاریخ ایستاده‌اید**

شما اکنون در طرف درست تاریخ ایستاده‌اید؛ این جمله نه یک شعار، بلکه واگویی‌ای است از نگاهی راهبردی به آنچه امروز در دانشگاه‌های آمریکا، اروپا و سایر نقاط جهان در حمایت از مردم فلسطین در حال وقوع است. نامه تاریخی رهبر انقلاب اسلامی به دانشجویان غربی حامی مقاومت، نقطه عزیمت این گفتمان است؛ جایی

که نه‌تنها آنها را بخشی از جبهه مقاومت می‌خواند، بلکه نوید تغییر پارادایم در افکار عمومی جهان را می‌دهد. این جلوده‌های این تغییر جهانی، سخنان صریح و کم‌سابقه «آنجلو بونیلی» نماینده پارلمان ایتالیاست که در جلسه علنی، نخست‌وزیر این کشور را به ریاکاری و سکوت در برابر نسل‌کشی متهم کرد. او از «جورجیا ملونی» را خطاب قرار داد و گفت: «می‌دانم امروز در موقعیت دشواری هستی، زیرا بندت ریاکار بودی و جرأت نکردی آنچه را در برابر چشمان تمام جهانیان اتفاق می‌افتد، محکوم کنی؛ نسل‌کشی، کوچاندن اجباری و پاکسازی نژادی. باید از این امر در برابر مردم ایتالیا شرمند باشی. من از ریاکاری تو شوکه و منزجر هستم. تو شجاعت آن را نداشتی که اقدامات جنایتکارانه‌ای که در حال حاضر اتفاق می‌افتد، محکوم کنی. به عنوان یک مادر ددین ۱۸ هزار کودک کشته شده، چه حسی به تو می‌دهد؟ تو جرأت نکردی وزرای کابینه نتانیاهو را محکوم کنی؛ وزرایی که می‌گفتند باید انبارهای غذا را بمباران کرد. من مطمئن اکثریت مردم ایتالیا همین دیدگاه من را دارند. محکوم کن؛ نسل‌کشی، کوچاندن اجباری و پاکسازی رنج بخاسته، خاموش نمی‌شود. از اخراج یک استاد فلسطینی‌الاصل در آمریکا تا تأکید دانشجویان بریتانیایی بر نقش دانشگاه در «نسل‌کشی» و «نظامی‌سازی»، همه و همه نشان از آن دارد که اکنون نبرد بر سر مفاهیم آغاز شده است.

تصاویر راهپیمایی صدها هزار نفر در هلند، یا یکدستی نمادین پرچم‌های قرمز، تنها نمونه‌ای از آخرین خیزش‌های جهانی برای آزادی فلسطین است. هفته‌ای نمی‌گذرد که در نقطه‌ای از جهان – از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تا خیابان‌های آمریکای لاتین، موزه‌ها، پارلمان‌ها و حتی صحنه‌های کنسرت – صدای «Free Palestine» طنین‌نبدازد. دیگر عجیب نیست که با گشودن صفحات مجازی، با سبیل کشگری از اقشار مختلف جوامع جهانی مواجه شوید که مقاومت را نه یک موضع سیاسی، بلکه یک تعهد انسانی می‌دانند.

شده‌اند در زندانی با هوای آزاد و باز زندگی کنند. مقامات اسرائیلی قول می‌دهند «درهای جهنم را باز کنند» اما قتل عام در غزه از قبل آغاز شده است. فلسطینی‌ها در غزه پناهگاهی ندارند، نیز جایی برای فرار. در روزهای آینده، فلسطینی‌ها مجبور خواهند شد بار سنگین خشونت اسرائیل را به دوش بکشند. تنها رژیم آپارتاید مقصر است. خشونت اسرائیل به مدت ۷۷ سال تمام جنبه‌های موجودیت فلسطین را تشکیل داده است. از تصرفات سیستماتیک زمین گرفته تا حملات هوایی دائمی، بازداشت‌های خودسرانه تا ایست‌های بازرسی نظامی و جدایی اجباری خانواده‌ها تا قتل‌های هدفمند، فلسطینی‌ها مجبور شده‌اند در حالت مرگ، چه آهسته و چه ناگهانی زندگی کنند. امروز مصیبت فلسطین وارد سرزمینی ناشناخته شده است. روزهای آینده مستلزم ایستادگی قاطع در برابر انتقام‌جویی استعماری است. ما از جامعه نابورادی می‌خواهیم برای توقف نابودی مداوم فلسطینیان اقدام کنند.»

این متن که بیش از ۳۰ نهاد دانشجویی هاروارد آن را امضا کرده‌اند، نه‌تنها فکتهای تاریخی را بازبایی می‌کند، بلکه چارچوبی تحلیلی رایج مبتنی بر «دوگانه حمله و پاسخ» را کنار می‌گذارد. از نگاه انسان، آنچه در غزه رخ می‌دهد یک رویداد دفعی نیست، بلکه مرحله‌ای از یک پروژه تاریخی است که طی آن، مردم فلسطین گام‌به‌گام از زمین، هوا، زندگی، امید و تاریخ

تهی شده‌اند.

همین‌جاست که واژه genocide از یک اصطلاح خشک حقوقی، به مفهومی زنده و مقاومتی بدل می‌شود؛ نه فقط نشانه اعتراض به بمباران، بلکه طرد نرمال‌سازی کشتار بی‌پاسخ. در این میدان، تنها مخاطب رژیم صهیونیستی نیست، بلکه افکار عمومی در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و حتی دولت‌های غربی، اکنون در حال بازخواست از سازوکارهایی هستند که به این وضعیت مشروعیت بخشیده‌اند.

■ **جهانی با ۲ استاندارد**

در جهانی که «حقوق بشر»، «کرامت انسانی» و «آزادی بیان» واژگان پرترکار در بیانیه‌های دیپلماتیک و نشست‌های بین‌المللی‌اند، آنچه در غزه می‌گذرد، نه فقط یک تراژدی انسانی، بلکه میدان نزاری بر سر معنای انسانیت است. در چنین میدانی، واژه‌ها همان‌قدر تأثیرگذارند که بمب‌ها؛ با این تفاوت که یکی جان می‌گیرد و دیگری می‌تواند جان ببخشد. واژگان اگرچه نرم و بدون صدای آگاهی تاریخ‌سازتر از خشونتند. امروز واژه genocide نه از دل پروپاگاندای رسانه‌ای، بلکه از میان صف دانشجویان، بیانیه‌های دانشگاهی و حرکت‌های مدنی در جهان غرب سر برآورده است. این واژه، با تلفظ پرطنینش در خیابان‌ها و کلاس‌های دانشگاه، اگرچه هنوز نتوانسته دیوار بی‌تفاوتی دولت‌ها را فرو بریزد اما حقیقتی را ثبت کرده که از حافظه تاریخی ملت‌ها پاک نخواهد شد؛ حقیقتی که روزی از تمام کسانی که در قدرت بودند، خواهد پرسید: «در برابر این کشتار چه کردی؟»

درست است که امروز در دانشگاه‌های آمریکا، واژه‌های تهدیدآمیز مانند «تعلیق»، «اخراج»، «قطع بورسیه»، «بازداشت» و «فهرست‌سازی» بیشتر از شعار «از رودخانه تا دریا، فلسطین آزاد خواهد شد» کاربرد دارد اما این به معنای پایان مقاومت نیست. اگر ساختارهای حقوقی و رسانه‌ای جهان غرب نتوانند نسل‌کشی را متوقف کنند و تنها به سرکوب شهروندان خود بپردازند، این نهادها خود به بخشی از راحل بدل خواهند شد. در این مسیر، نمایندگان وجدان عمومی در جهان، همچون «الیاس رودریگز» یا صدها کنشگر دیگر، نام‌هایی مانند «پارون لیشینسکی» و «سارا لین میلگریم» را

جنگنده‌های اسرائیلی هنوز در حال بمباران هستند که ویدئویی از گرفتاری دختری در میان شعله‌های آتش چادر پناهجویان منتشر می‌شود؛ نه راه فراری هست، نه دستی برای نجات؛ اما در میانه ویرانی، گاه معجزه‌ای رخ می‌دهد؛ رسانه‌های محلی خبر می‌دهند این کودک، برخلاف هزاران قربانی دیگر، زنده از آتش بیرون آمده است؛ فرصتی برای زنده ماندن، شاید تا چند روز دیگر، شبیه بسیاری از آنهایی که با تنی نیمه‌سوخته زنده ماندند اما کمی بعد از اشغال بیمارستان‌ها نام‌شان در فهرست شهدای گورهای دسته‌جمعی ثبت شد.

این شاید یکی از معدود نجات‌یافتگان بمباران باشد اما حتماً از تصاویر مرسوم این روزهای غزه است، پیش‌تر خبرنگاری میان آتش سوخت، همچون هزاران زن، کودک و مردی که زیر بمب‌هایی کشته شدند که با مهر «حقوق بشر غربی» روانه غزه شده‌اند. حالا گزارش‌های میدانی تأیید می‌کند اکثریت شهدا از میان کودکان و زنانی بوده‌اند که برای دریافت کمک‌های بشردوستانه صف کشیده بودند؛ شهروندانی بی‌پناه و بی‌سلاح که با پیشرفته‌ترین ابزارهای جنگی هدف قرار گرفتند. در چنین زمینهای، واژه ساده‌ای چون «مردم هدف هستند» دیگر یک بیانیه نیست، بلکه شرح یک واقعیت است؛ واقعیتی که قربان‌بران شکل جنایت را نشان می‌دهد.

در حالی که کشتار این روزها در غزه، موجی از اعتراض‌های مردمی و دانشجویی را از آمریکای لاتین تا اروپا برانگیخته و رژیم صهیونیستی

به صراحت متهم به «نسل‌کشی» شده، ارتش اسرائیل نه‌تنها متوقف نشده، بلکه حالا بیانیه‌ای برای آغاز یک عملیات جدید منتشر کرده است: «عملیات بی‌سابقه در خان‌یونس»! بی‌سابقه به چه معناست؟ در قاموس این ماشین جنگی، جز کشتار بیشتر و کوچ دادن دوباره بازماندگان، معنای دیگری وجود دارد؟ اینجا مساله فراتر از یک حمله نظامی است. پرسش اصلی این است: آیا با این حجم از هدف‌گیری غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های زندگی و استفاده عریان از زور، هنوز می‌توان از «جنگ» سخن گفت یا آنکه باید اعتراف کرد آنچه امروز در غزه می‌گذرد، مصداق عینی و تمام‌عیار «نسل‌کشی» است؟ اگر چنین است، چگونه صهیونیست‌ها و دولت‌های غربی با خاکستری کردن واژگان، به ارتش اسرائیل اجازه می‌دهند از خط قرمز حقیقت عبور کنند؟

■ **نسل‌کشی یا جنگ؟ باز تعریف یک واژه در میدان آتش**
 در ادبیات کلاسیک روابط بین‌الملل، مفهوم «جنگ» زمانی مصداق می‌یابد که ۳ طرف درگیر از سطحی از توازن در قدرت نظامی، ظرفیت دفاعی و امکان پاسخ متقابل برخوردار باشند. جنگ – در ویرانگرترین شکل خود- در دل قواعدی نانوشته و گاه مکتوب، تعریف می‌شود اما آنچه در غزه در جریان است، از این الگو فاصله‌ای معنادار دارد. اینجا‌جست که واژه‌ای دیگر با قدرت مفهومی خود وارد میدان می‌شود: «نسل‌کشی». اصطلاح genocide که این روزها در دانشگاه‌ها، راهپیمایی‌ها، بیانیه‌ها و حتی کلاس‌های درس، با تلفظ صریح و طنین‌انداز «جنوساید» شنیده می‌شود، نه صرفاً محصول ادبیات فلسطینی، بلکه زاییده بیداری افکار عمومی در جهان غرب است؛ واژه‌ای که از زبان دانشجویان، اساتید، روشنفکران و نهادهای دانشگاهی غرب شنیده می‌شود، درست در دل نظام‌هایی که پیش از این، همواره نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی سکوت یا ممانشات پیشه کرده بودند.

برای نمونه، کافی است به بیانیه تاریخی دانشجویان دانشگاه هاروارد بازگردیم که تنها ۳ روز پس از توفان‌الاقصی، در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ منتشر شد. در این بیانیه آمده بود: «تفاقات امروز در خلأ رخ نداده است. در ۲ دهه گذشته، میلیون‌ها فلسطینی در غزه مجبور